

عنوان: شرح احادیثی از امام سجاد علیه السلام (۲)

تولید شده در کارگروه تولید محتوای معاونت فرهنگی و اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

بهمن ۱۴۰۳

۱ - ما اَخْتَلَجَ عِرْقٌ وَلَا صَدِيعٌ مُؤْمِنٌ إِلَّا بِذَنْبِهِ وَ مَا يَعْفُو اللَّهُ عَنْهُ أَكْثَرُ . وَ كَانَ إِذَا رَأَى الْمَرِيضَ قَدْبَرَى قَالَ : لِيَهْنُتَكَ الطُّهْرُ مِنَ الذُّنُوبِ فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ^۱

امام سجاد علیه السلام فرمود: رگی نمی جهد، و سر مؤمنی درد نگیرد مگر به دلیل گناهش و آنچه خداوند عفو می کند بیش از آن است. وقتی امام سجاد علیه السلام می دید که بیماری بهبود یافته است. می فرمود: گوارا باد بر تو پاکی از گناهان، هم اکنون کار را از سرگیر. روح و جسم دو بُعد از وجود انسان هستند که در یکدیگر تأثیر دارند و از یکدیگر تأثیر می پذیرند. خرابی جسم و مزاج، تأثیرات منفی بر روح می گذارد و امور منفی عارض بر روح، مثلاً گناهان، تأثیر منفی بر جسم می گذارند. گناه اگرچه بر روح عارض می شود اما در بدن نیز تأثیرات منفی می گذارد. امروزه در علم پزشکی ویروس و باکتری و ... را عامل بیماری می دانند. در طب سنتی نیز سوء مزاج و امثال آن را عامل بیماری می دانند. در هیچ کدام از طب مدرن و سنتی، گناه را عامل بیماری نمی دانند و این، یک غفلت بزرگ است. امام سجاد علیه السلام در روایت فوق، گناه را عامل جهیدن رگها و سردرد می دانند. بنابراین، گناه نه تنها در روح تأثیر می گذارد در جسم نیز تأثیرات منفی می گذارد.

البته گناه از جهتی بر جسم تأثیر منفی دارد، اما از جهتی دیگر موجب آمرزش گناهان می شود.

۲- عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِي قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا. مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ.^۲

امام چهارم فرمود: هر کس که به واجبات الهی رفتار کند از بهترین مردم است. امروزه عرفانهای کاذب و نوظهور با سرعت بالایی در حال تکثیر هستند. نظام استکبار در مبانی اولیه خویش که از دوران رنسانس و دوران به اصطلاح روشنگری در اروپا شروع به ترویج آن نمود، عالم مافوق ماده را منکر شد. هرگونه صحبت از عوالمی غیر از عالم دنیا، خرافی و غیر علمی محسوب شد. به این ترتیب، بسیاری از انسانها قید عرفان و معنویت و گرایش به عالم ملکوت را زدند و از آن کناره گرفتند. اما مگر می‌شود انسانها بالکل، از اصل خویش غافل شوند و همگی آن را کنار زنند و هیچ کس در کره زمین دم از معنویت نزنند؟ این امور در فطرت انسان نهاده شده اند و جزئی جدا نشدنی از او هستند؛ «فطرة الله التي فطر الناس عليها؛ لا تبدل لخلق الله»^۱ غرب هرچه سعی کرد گرایش به عالم معنا و ملکوت و لاهوت و به عبارت دیگر، عرفان و معنویت را از انسان بستاند نتوانست. هرچه پیش رفت، گرایش انسان به معنویت بیشتر شد. به ویژه با ظهور انقلاب اسلامی و رهبر عارف آن، امام خمینی ره، علاوه بر سیاست، عرفان اسلامی نیز مجدداً جان تازه ای گرفت و در بسیاری از کشورهای دنیا رواج یافت.

نظام استکبار از گسترش عرفان صحیح بسیار نگران شد. عرفان صحیح عرفانی است که علاوه بر بت درونی نفس، بت‌های بیرونی و به ویژه طاغوت را نیز نفی می‌کند و به مبارزه با آنها می‌پردازد. عرفان حقیقی، عرفان در میدان و در صحنه نبرد بیرونی، علاوه بر میدان درونی است. عرفان حقیقی، انسان را تخدیر نمی‌کند، بلکه او را به تحرک وادار می‌دارد. اما عرفان کاذب، انسان را دعوت به انزوا و بی توجهی به بیرون می‌نماید. اگر عرفان حقیقی شکل بگیرد، خطرناکترین چیز برای نفی نظام استکبار است. به این ترتیب، مستکبران از طرفی می‌دیدند که گرایش انسان به عرفان، یک گرایش فطری و جدایی‌ناپذیر از اوست و از طرفی هم اگر این عرفان حقیقی گسترش یابد بساط استکبار باید برچیده شود. به همین دلیل آنها در صدد بر آمدند، بر آوردن این نیاز حقیقی بشر را خود بر عهده بگیرند و آن را مدیریت کنند و به راهی که خود می‌خواهند هدایت کنند. با ترویج گسترده عرفانهای کاذب، نظام استکبار، عطش سیری ناپذیر بشر را با آبی گندآلود، سیراب کرده و از طرفی، گزاره‌هایی در آن قرار داده که آن را از اصل خود دور کند. به چند ویژگی مهم این عرفانها اشاره می‌کنیم:

۱- محوریت آن با قرآن و اهل بیت علیهم السلام نیست ۲- کناره گیری کامل از دنیا را ترویج می‌کند؛ قرآن کریم از این چنین عرفانی با عنوان رهبانیت بدعت‌آمیز تعبیر می‌کند؛ «رهبانية ابتدعوها» (حدید/ ۲۷) رهبانیتی که از پیش خود ساختند و از سوی خدا نبود. این نوع عرفان کاذب در میان مسیحیان رواج یافت و موجب تخدیر مسیحیان شد. به این ترتیب، مسیحیت به دینی منفعل و ابزار دست یهود تبدیل شد. بی جهت نیست که

^۲ اصول کافی، ج ۳، ص ۱۲۸

استعمارگران پرتغالی هر کجا می رفتند پیش از آن، مبلغین مسیحی را می فرستادند. دین و عرفانی که گوشه گیری و انزوا و عدم مسؤولیت پذیری و انفعال در مقابل ظلم را ترویج کند، بهترین ابزار برای تسلط استعمارگران است.

۳- قبل از تطهیر و پاکسازی روح از گناهان و به عبارتی، قبل از تخلیه از ردائل، به تجویز اذکار و اوراد می پردازند.

۴- چهارمین ویژگی که در این حدیث به آن اشاره شده این است که عرفانهای نوظهور، شریعت محور نیستند؛ با عمل به واجبات و ترک محرمات شروع نمی کنند و بلکه گاهی با عباراتی مانند «دلت پاک باشد» به نفی عمل به شریعت می پردازند.